



مختصری درباره وجهه تسمیه "بندر و بند کمال خان"

جای شک نیست که جناب استاد سیستانی یکی از محققان با صلاحیت و دقیقاً وارد در مسایل سیستان است و آثار متعدد در زمینه دارد و اخیراً نیز به ارتباط آغاز جریان ذخیره آب در بند کمال خان مطالبی در باره سردار کمال خان سنجرانی و خانواده او و نیز وجهه تسمیه او با "بندر" و سپس "بند" کمال خان نوشته که از نظر تاریخی مهم و بسیار دلچسپ است. باید اذعان دارم که با موضوع این بند وقتی بیشتر آشنا شدم که درباره معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران که بتاريخ 22 حوت 1351 (13 مارچ 1973) در کابل به امضاء رسید، به تحقیق و مطالعه جوانب مختلف آن، از جمله مروری بر تاریخ معضله آب این دریای بزرگ کشور پرداختم و کتابی نوشتم که در سال 1917 تحت عنوان "بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران" در افغان جرمن آنلاين در 18 قسمت اقبال نشر یافت و نیز یک نسخه دیجیتالی آنرا در سلسله نشرات دیجیتالی آن ویبسایت لطف کرده به نشر سپردند.

اینکه نام "بندر کمال خان" به "بند کمال خان" چگونه سرزبانها افتاد، از نظر تاریخی اساساً بر میگردد به منازعه استفاده از آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران که به دلیل تغییراتی در مسیر سفلی دریای هلمند در سال 1872 به وجود آمد. دولت انگلیس که در کنفرانس پاریس در صورت بروز همچو منازعه حق حکمیت را بین افغانستان و ایران به خود اختصاص داده بود، برای حل مشکل پای پیش کرد و "سر فریدریک گولد سمید" را موظف اینکار ساخت. او به منطقه سفر کرد و نتیجه حکمیت خود را به بتاريخ 19 اگست 1872 به وزارت خارجه انگلیس تقدیم نمود که شامل یک مقدمه و شش ماده بود. گولد سمید سیستان بزرگ را به دو قسمت تقسیم کرد: قسمت غربی پایان تر از "کوهک یا کهک" را بنام "سیستان اصلی" متعلق به ایران دانست و اما از کهک تا تپه های غربی دشت سیستان به شمول ساحه "لاش و جُوین" را شامل حدود افغانستان تعیین کرد و علاوه نمود که ایران مجاز نیست از هامون گذشته و بر ساحه افغانستان دست دراز کند. گولد سمید در مورد تقسیم آب دریای هلمند دچار یک اغماض جدی شد و نوشت که: «هیچ نوع عملیات از هیچ طرف مبادرت نخواهد شد که در آب زراعت دوطرف رودخانه هلمند دخل و تصرف شمرده شود».

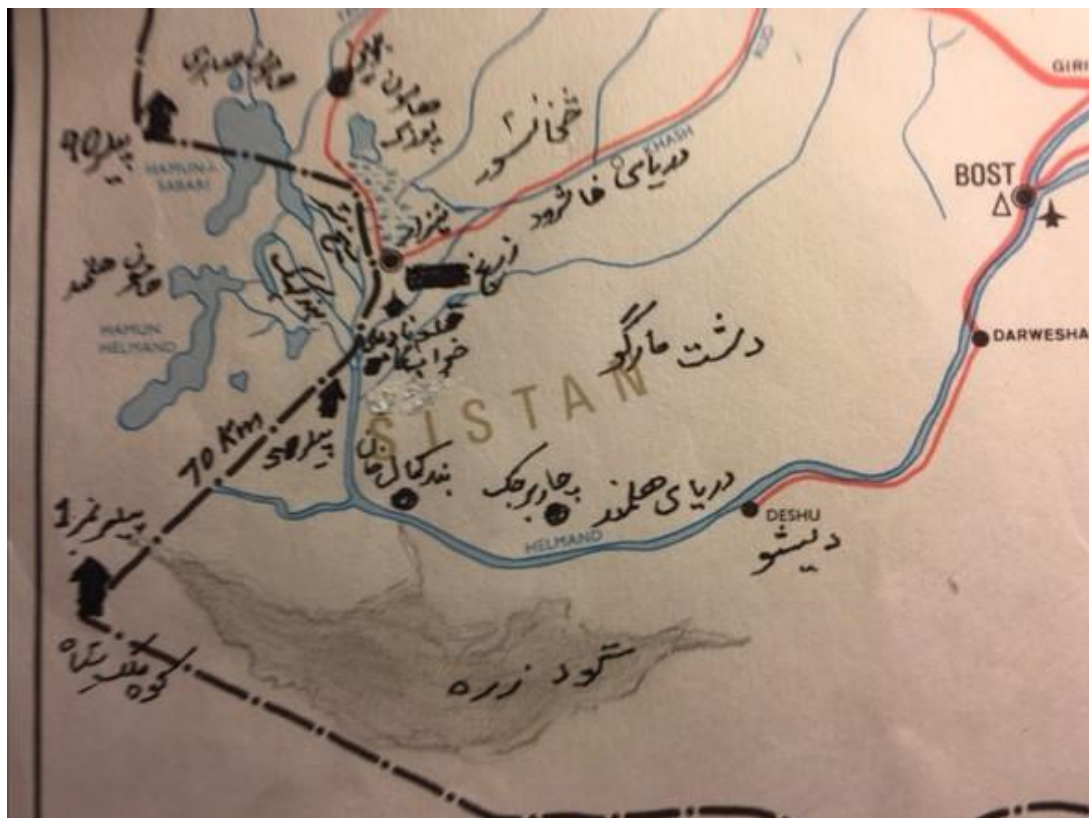
دولت ایران نخست نظر گولد سمید را قبول نکرد و اما بعد به آن موافقت کرد، برعکس امیر شیرعلی خان از قبول این حکمیت خودداری نمود و موضوع همچنان لاینحل باقی ماند. تا آنکه بار دیگر در سال 1896 در اثر سیلابهای مدهش میسر سفلی رود هلمند بین سرحد افغانستان و ایران بطرف غرب تغییر کرد و به جای مجرای سابق که "سیخ سر" نام داشت، مسیر جدید جدید را در پیش گرفت که به "رود پریان" شهرت یافت. این تغییر مسیر مشکل را در مورد سرحد بین دو کشور بزعم حکمیت گولد سمید به وجود آورد.

با این تغییر مسیر در اثر درخواست ایران بار دیگر بهانه خوبی بدست دولت انگلیس افتاد و لارد کرزن خواست به این بهانه تعدادی از قوای انگلیسی را در سال 1902 ضم هیئتی به سرکردگی هنری مکماهون که قبلاً در تعیین سرحدات جنوب غربی افغانستان نقش و صاحب تجربه بود، ظاهراً به هدف رفع معضله گسیل داشت که مشتمل بر 1500 نفر نظامی و ملکی بود و به مکماهون وظیفه حکمیت را در قضیه سپرد. حکمیت مکماهون در مورد تعیین حدفاصل سرحد بین ایران و افغانستان که مبتنی بر حکمیت گولد سمید بود، با وجود اختلاف کوچک در یک ساحه با قبولی امیر حبیب الله خان سراج الملة رسمیت پیدا کرد، اما در موضوع تقسیم و تثبیت حقا به مشکلاتی پدید آمد که جنجال آن برای سالهای متمادی مورد جر و بحث دولت های افغانستان و ایران قرار گرفت.

مکماهون در گزارش خود که مقدمه آن شامل ده فقره و حکمیت آن در هشت فصل گنجانیده شده بود، در فصل دوم آن می نگارد: «مقدار آب مورد ضرورت آبیاری زمین های ایران که از بند کهک یا پایانتر از آن آب میگیرد، یک ثلث جمع آب رودخانه هلمند می باشد که داخل سیستان میشود، آن سیستانی که حکمیت جنرال فریدریک گولد سمید راجع به آن است، مشتمل بر تمام زمین هایی میشود که به هردو طرف هلمند از "بندر کمال خان" و پایانتر واقع

است». مکماهون در فصل سوم حکمیت خود می افزاید: «بنابراین ایران مستحق است بر یک ثلث مجموع رودخانه هلمند. این مقدار از نقطه ای محاسبه میگردد که از آن برداشت آب برای آبیاری زمین های هردو کناره واقع در "بندر کمال خان" یا پایانتز از آن موقعیت دارد».

از تذکر دو فصل فوق حکمیت مکماهون معلوم میشود که تا آنوقت محل کمال خان به حیث یک "بندر" مطرح بود، اما وقتی در فصل چهارم تصریح میگردد که: «در احداث بنا ها یا انهار از جانب افغانستان برای گرداندن آب برای زمین های سیستان باید ملاحظه این امر بشود که اقلأ یک ثلث جمیع آب رودخانه هلمند برای استعمال ایران به بند "کهک" برسد». در فصل پنجم حکمیت مکماهون آمده است که: «بقاء و حفظ بند کهک از برای رفاه سیستان ایرانی اهمیت کلی دارد. بعید از امکان نیست که از گودشدن رودخانه در محل بند موجود و پایانتز از آن اگر لازم بیفتد که بند از آنجا منقل شده از محل حالیه یک کمی بالاتر بسته شود، در صورتیکه این لازم باشد، افغانستان باید ایران را بگذارد که محل این بند را تغییر بدهد و به ایران این حق را منظور بدارد که نهری را به فاصله کمی از چنین بند تازه الی رود سیستان لازم باشد در خاک افغانستان حفر نماید».



امیر حبیب الله خان سراج الملة به دلیل اینکه با اقامت یک نماینده دائمی انگلیس در منطقه به منظور کنترل مقدار آب از قبولی حکمیت مکماهون در مورد تقسیم آب موافقه نکرد، لذا قضیه برای سه دهه از 1905 تا 1936 به اغماض و یا خاموشی مواجه شد. تا آنکه موضوع تقسیم آب به دلیل خشکسالی مدش سال 1936 (1315ش) بین دو کشور بار دیگر مورد منازعه قرار گرفت که در اثر امضای یک پروتوکل رسمی بین هیئت های افغانستان و ایران موافقه شد تا مقدار آب رود هلمند را که به "بندر کمال خان" میرسد از آن بندر تا "بند لخشک" بالمناصفه بین رعایای چخانسور افغانی و رعایای سیستان ایرانی تقسیم نمایند. در ماه سپتمبر 1937 (میزان 1316) نمایندگان هردو کشور در بند کهک حضور یافته و پس از آن مقدار آب را در آنجا اندازه و تعیین کردند و تقسیم اب را بالمناصفه از "بند کمال خان" تا "بند لخشک" توافق نمودند که در نتیجه قرارداد 8 دلو 1317 (27 جنوری 1939) در 15 ماده بین حکومت دو کشور به امضا رسید. با آنکه این قرارداد از طرف دولت ایران تائید و قانوناً طی

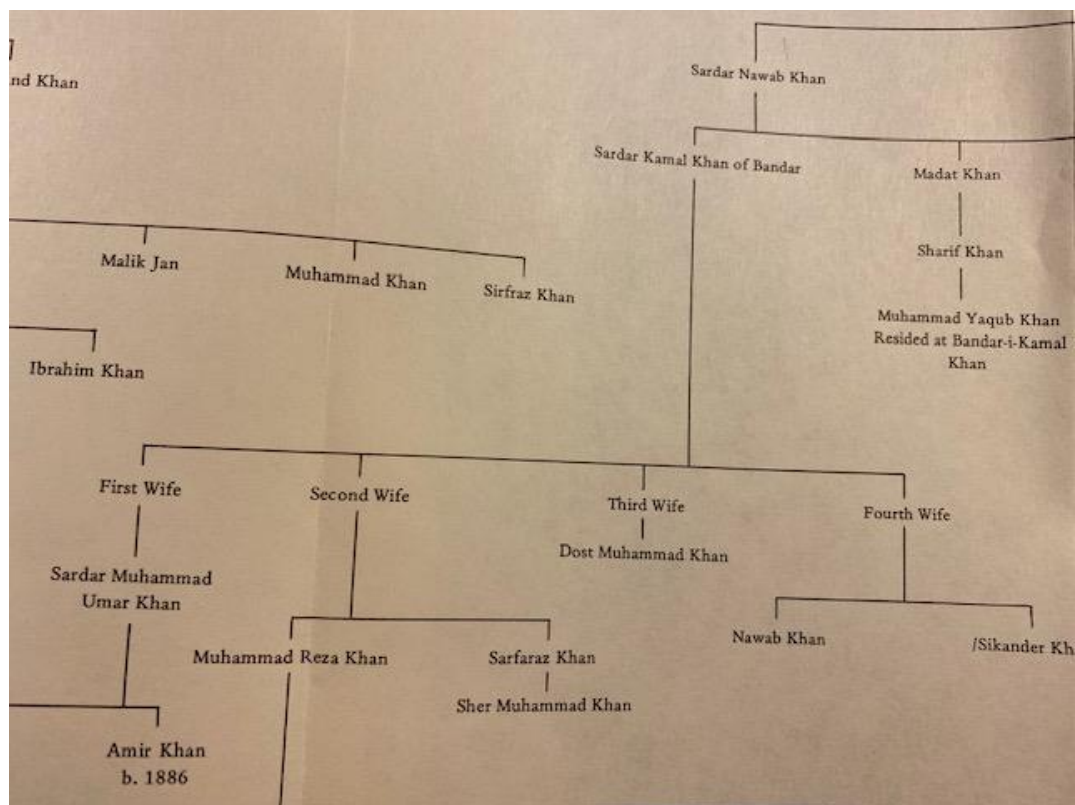
د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

مراحل شد، اما شورای ملی افغانستان آنرا رد کرد و فقد اعتبار رسمی پنداشته شد. اگر از جریان بعدی موضوع که منجر به تشکیل یک کمیسیون بیطرف گردید و از ادامه جنجالها و مذاکرات بی نتیجه بین دو کشور که بالاخره بعد سالها در 22 حوت 1351 منتج به معاهده آب دریای هلمند بین دو کشور گردید، بگذریم، نکته مهم که چگونه وجهه تسمیه بندر کمال خان به بند کمال خان تغییر کرد، از همینجا نشأت میکند که در اکثر مواد قرارداد فوق الذکر از "بند کمال خان" به حیث یک مرجع اندازه گیری آب جهت تعیین سهمیه ایران تذکار یافته بود، یاد شده و از آن تاریخ به بعد تسمیه "بندر کمال خان" جای خود را رسماً به "بند کمال خان" تغییر داد، بخصوص هنگامیکه شهید محمد داؤد در دوره جمهوری تصمیم به اعمار یک بند آب گردان در همین محل گرفت، این بند به همان نام کمال خان شهرت یافت.

در مورد اینکه چرا قبلاً این محل را "بندر کمال خان" می نامیدند و حتی کلمه "بندر" جز نام خانوادگی او گردیده بود، جناب استاد سیستانی توضیحاتی تقدیم کرده است که به اساس آن سردار کمال خان سنجرانی در همین محل با وسایل ابتدائی امکانات عبور و مرور اشخاص و مواشی را از اینطرف رودخانه هلمند به آنطرف آن فراهم نموده بود و مردم محل در با تادیه یک مبلغ حق العبور از آن استفاده میکردند. همچنان این فرموده استاد سیستانی قابل تأیید است که شخص سردار کمال خان در انکشاف بند که از روی تصادف با نام او شهرت یافته است، هیچ نقشی نداشته است که موجب امتیاز تاریخی وی گردد.

اگرچه جناب استاد سیستانی معلومات جامع در باره خانواده سرداران سنجرانی در نوشته های متعدد خود ارائه کرده است، که شرح مزید آن لزومی ندارد، اما میخواهم با استفاده از یک مأخذ بسیار مهم به یک چارت مکمل خانوادگی این خانواده اشاره کنم که یک در یک قسمت در باره سردار کمال خان (مشهور به بندر) چنین ذکر شده است و این مأخذ شاید به دلیل کمیابی و مشکل دسترسی به آن تا هنوز مورد استفاده جناب سیستانی صاحب قرار نگرفته باشد.



برطبق این چارت در راس خانواده سنجرانی شخصی بنام "جان بیگ سنجرانی" قرار دارد، پسرش میراحمد و از او پسری بنام "جان بیگ دوم" با بعرضه وجود گذاشته که از خانم اولش دو پسر بنامهای سردار خانجانخان و سردار شاه پسند خان و اما از

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

خانم دومش دو پسر هریک سردار نواب خان و سردار اسلام خان بدینیا آمدند. سردار نواب خان دارای سه فرزند بود: یکی سردار کمال خان بندر، دیگر مدد خان و سومی صاحب خان. سردار کمال خان چهار خانم داشت: از خانم اول سردار محمد عمر خان، از خانم دوم محمد رضا خان و سرفراز خان، از خانم سوم دوست محمد خان و از خانم چهارم نواب خان و سکندر خان بودند. و به همین طور چند سلاله دیگر آنها نیز در این چارت درج گردید است.

در جلد دوم سلسه کتاب قطور "گاسیتیر تاریخی و سیاسی افغانستان" Historical and political Gazetteer of Afghanistan که به اهتمام افغانستان شناس مشهور (اطریشی الاصل) امریکائی فقید پروفیسور لودویک آدامیک تحت عنوان "فراه و جنوب غرب افغانستان" معلومات بسیار جامع درباره تاریخ و محلات مهم منطقه به شمول خانواده ها و جغرافیای بشری ساحات جنوب غربی کشور که اکنون شامل سه ولایت فراه، نیمروز و قسماً هلمند میباشد، از قرن 19 و 20 در جمعاً بیش از 470 صفحه حاوی نقشه های مکمل هر قسمت این منطقه به نشر رسیده است. در این کتاب در جمله دیگر خانواده های بزرگ آنجا یکی هم خانواده سنجرانی است که بیش از 12 صفحه بزرگ را در بر میگیرد (از صفحه 254 تا 265).

گمان میکنم که مطالعه این مأخذ مهم برای جناب استاد سیستانی به حیث یک محقق اندیشمند و صاحب تألیفات زیاد در باره سیستان و منطقه مذکور، اگر تا حال از نظر شان نگذشته باشد، حتمی خواهد بود. چه کنم فاصله یک قاره در میان است، ورنه من آنرا خدمت شان به امانت می فرستادم. اما ممکن است این سلسله که به شش جلد بسیار قطور میرسند، در کتابخانه های بزرگ سویدن در دسترس باشد. مشخصات آن ذیلاً تقدیم میشود:

جلد اول - بدخشان و شمال شرق افغانستان؛

جلد دوم - فراه و جنوب غرب افغانستان؛

جلد سوم - هرات و شمال غرب افغانستان؛

جلد چهارم - مزار شریف و شمال مرکزی افغانستان؛

جلد پنجم - قندهار و جنوب مرکزی افغانستان؛

جلد ششم - کابل.

این سلسه شش جلدی که جمعاً به 3500 صفحه بالغ میگردند، مجموعه تحقیقات ساحوی است که در ظرف جمعاً 50 سال استقرار قوای انگلیسی در افغانستان از طرف مامورین نظامی و ملکی آن کشور از تمام افغانستان به شمول نقشه های دقیق همه محلات تهیه گردیده در سالهای 1970 معلومات مزید از منابع داخلی و خارجی بر آن افزوده شده است و تحت رهنمائی و اهتمام پروفیسور لودویک آدامیک به زبان انگلیسی در سالهای 70 و 80 قرن گذشته در شهر "گراس" کشور اتریش (آستریا) توسط مطبعه Akademische Druck und Verlagsanstalt چاپ شده است. خوشبختانه جلد اول، دوم و ششم آنرا در آرشیف خود دارم و اما در تلاش هشتم تا باقی مجلدات آنرا (جلد سوم، چهارم و پنجم) را نیز بدست آورم که تاحال به دسترسی آن موفق نشده ام. اگر کسانی آنرا داشته و خیال فروش داشته باشند، اطفأً مرا در جریان بگذارند. با تشکر

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ